

حقوق تجارت

(شرح و تحليل ماده به ماده)

تأليف: امير ناظري
وکیل پایه یک دادگستری

چاپ اول

۱۴۰۴

شناسه افزوده	: ناظری، امیر، ۱۳۶۹ - ، گردآورنده
عنوان قراردادی	: ایران. قوانین و احکام Iran. Laws, etc
عنوان و نام پدیدآور	: حقوق تجارت (شرح و تحلیل ماده به ماده) / تألیف امیر ناظری.
مشخصات نشر	: تهران: مشاهیر دادآفرین، ۱۴۰۴.
مشخصات ظاهری	: ۶۸۰ ص
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۷۳۳۴-۶۴-۷
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: حقوق تجارت - - ایران Commercial law - - Iran
رده بندی کنگره	: ۹۱۴ KMH
رده بندی دیویی	: ۳۴۶/۵۵۰۷
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۰۳۹۱۳۲۷

حقوق تجارت (شرح و تحلیل ماده به ماده)

تألیف: امیر ناظری

چاپ اول - زمستان ۱۴۰۴

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۹۵۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۳۳۴-۶۴-۷

مؤسسه مشاهیر دادآفرین: خیابان کارگر شمالی، بالاتر از چهارراه فاطمی، کوچه شهید اکبری، پلاک ۳۲،

تلفن: ۸۱۰۵۴

وب سایت: www.dadafarin.com

پست الکترونیکی: office@dadafarin.com

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پیشگفتار

تجربه مجموعه دو جلدی «آموزش حقوق تجارت به بیان ساده» به عنوان یک منبع درسی ساده و روان، اما مفصل و پر حجم و ترس داوطلبین آزمون های حقوقی از حجم آن دو مجلد و نیاز ایشان به منبعی مختصر برای درس حقوق تجارت، نگارنده را متایل به تألیف اثر حاضر نمود. در کتاب پیش رو، محکات مربوط به هر ماده به نحو کامل و جامع در ذیل آن ماده بیان شده اند؛ به نحوی که مخاطبین گرامی با انتخاب این کتاب به عنوان منبع مطالعاتی خود، مستغنی از تهیه کتاب قانون خواهند بود. در مقایسه کتاب حاضر و مجموعه دو جلدی صدرالذکر، بذل عنایت کرده که، قطعاً شرح و تفصیل بیش تری از مباحث در مجموعه «آموزش حقوق تجارت به بیان ساده» انجام شده و بهت تفهیم بهتر هر موضوع، مثال های متعددی در آن دو مجلد بیان گردیده است، از این روی، در مواقع کاملاً استثنایی که ممکن است خوانندگان این کتاب نیاز به کنکاش و تحلیل بیش تر در موضوع مورد نظر احساس کنند، مراجعه به مجموعه دو جلدی «آموزش حقوق تجارت به بیان ساده» نیز توصیه می شود؛ هر چند نهایت تلاش به عمل آمده که تمام محکات مذکور در آن مجموعه دو جلدی، در کتاب حاضر، به ساده ترین شکل ممکن، ذیل ماده مربوطه درج گردند و مخاطبین گرامی مستغنی از مراجعه به آن کتب باشند.

در پایان لازم است مراتب تجلیل و قدردانی خویش از سرکار خانم صدیقه دودانکه که متحمل زحمت صفحه آرایی و ویراستاری این کتاب گردیدند و همچنین خانم های مساعی و نونا نقدلو که راقم این سطور را در به غایت رساندن کتاب حاضریاری رسانند و همچنین جناب آقای امیر کالوند، مدیریت محترم موسسه آموزشی دادآفرین، که فرصت طبع و نشر این اثر را فراهم آوردند اعلام نمایم.

امیر ناظری

زمستان ۱۴۰۴

فهرست مطالب

قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱/۲/۱۳ (کمیسیون قوانین عدلیه) با اصلاحات بعدی.....	۱۳
باب اول - تجار و معاملات تجاری.....	۱۳
باب دوم - دفاتر تجاری و دفتر ثبت تجاری.....	۳۵
فصل اول - دفاتر تجاری.....	۳۵
فصل دوم - دفتر ثبت تجاری.....	۴۱
باب سوم - شرکت های تجاری.....	۴۳
فصل اول - در اقسام مختلفه شرکت ها و قواعد راجع به آنها.....	۴۳
کلیات شرکت های تجاری.....	۴۳
آثار شخصیت حقوقی شرکت های تجاری.....	۴۳
تفاوت شرکت مدنی و شرکت تجاری.....	۴۴
تقسیم بندی شرکت های تجاری.....	۴۴
آشنایی با چند اصطلاح.....	۴۷
مبحث اول - شرکت سهامی.....	۴۹
لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت (مصوب ۱۳۴۷/۱۲/۲۴ کمیسیون خاص مشترک مجلسین).....	۵۱
مبحث اول - شرکت های سهامی.....	۵۱
۱. کلیات تشکیل شرکت سهامی عام.....	۵۵
تقسیم بندی سهام.....	۷۱
الف) سهام بانام و بی نام.....	۷۱
ب) سهام سرمایه ای و انتفاعی.....	۷۱
ج) سهام عادی، ممتاز و مؤسس.....	۷۲
حقوق سهامداران شرکت سهامی.....	۷۴
اول) حقوق مالی سهامداران.....	۷۴
دوم) حقوق غیرمالی سهامداران.....	۷۵
روش اول افزایش سرمایه: صدور سهام جدید.....	۱۴۷
روش دوم افزایش سرمایه: بالا بردن مبلغ اسمی سهام موجود.....	۱۴۷
ادامه مواد قانون تجارت.....	۲۰۳

۲۰۳	مبحث دوم - شرکت با مسئولیت محدود
۲۱۶	مبحث سوم - شرکت تضامنی
۲۲۹	مبحث چهارم - در شرکت مختلط غیرسهامی
۲۳۳	مبحث پنجم - شرکت مختلط سهامی
۲۴۲	مبحث ششم - شرکت نسبی
۲۴۳	مبحث هفتم - شرکت‌های تعاونی تولید و مصرف
۲۴۴	فصل دوم - در مقررات راجعه به ثبت شرکت‌ها و نشر شرکت‌نامه‌ها
۲۴۵	فصل سوم - در تصفیه امور شرکت‌ها
۲۵۰	فصل چهارم - مقررات مختلفه
۲۵۱	اسناد تجاری
۲۵۱	مبحث اول) معرفی و کلیات اسناد تجاری
۲۵۹	مبحث دوم) مسئولیت در اسناد تجاری
۲۶۱	مبحث سوم) اصول و اوصاف اسناد تجاری
۲۶۲	وصف اول) وصف شکلی
۲۶۲	وصف دوم) وصف تنجیزی
۲۶۳	وصف سوم) وصف تجاری
۲۶۳	وصف چهارم) وصف استقلالی
۲۶۵	وصف پنجم) وصف تجریدی (اصل استقلال تعهد ناشی از سند تجاری)
۲۶۶	استثنائات اصل غیرقابل استناد بودن ایرادات
۲۷۳	ایرادات غیرقابل استناد در برابر دارنده با حسن نیت
۲۷۵	مبحث چهارم) نکات مقدماتی تکمیلی اسناد تجاری
۲۷۷	باب چهارم - برات - فته طلب - چک
۲۷۷	فصل اول - برات
۲۷۷	مبحث اول - صورت برات
۲۸۸	مبحث دوم - در قبول و نکول
۲۹۵	مبحث سوم - در قبولی شخص ثالث
۲۹۷	مبحث چهارم - در وعده برات
۲۹۹	مبحث پنجم - ظهرنویسی
۳۰۶	مبحث ششم - مسئولیت

۳۱۵	مبحث هفتم - در پرداخت
۳۲۳	مبحث هشتم - تأدیه وجه برات به واسطه شخص ثالث
۳۲۴	مبحث نهم - حقوق و وظایف دارنده برات
۳۲۴	قواعد کلی مراجعه به پرداخت کننده اسناد تجاری
۳۳۳	مبحث دهم - در اعتراض (پروتست)
۳۳۵	مبحث یازدهم - برات رجوعی
۳۳۸	مبحث دوازدهم - قوانین خارجی
۳۳۹	فصل دوم - در فته طلب
۳۳۹	فصل سوم - چک
۳۴۴	فصل چهارم - در مرور زمان
۳۴۸	باب پنجم - اسناد در وجه حامل
۳۴۹	باب ششم - دلالتی
۳۴۹	فصل اول - کلیات
۳۵۴	فصل دوم - اجرت دلال و مخارج
۳۵۶	فصل سوم - دفتر
۳۵۷	باب هفتم - حق العمل کاری (کمسیون)
۳۶۴	باب هشتم - قرارداد حمل و نقل
۳۷۲	باب نهم - قائم مقام تجاری و سایر نمایندگان تجاری
۳۷۵	باب دهم - ضمانت
۳۷۷	کلیات ورشکستگی
۳۷۹	تفاوت های ورشکستگی و اعسار:
۳۸۰	باب یازدهم - در ورشکستگی
۳۸۰	فصل اول - در کلیات
۳۹۱	فصل دوم - در اعلان ورشکستگی و اثرات آن
۴۱۹	فصل سوم - در تعیین عضو ناظر
۴۲۰	فصل چهارم - در اقدام به مهر و موم و سایر اقدامات اولیه نسبت به ورشکسته
۴۲۱	فصل پنجم - در مدیر تصفیه
۴۲۴	فصل ششم - در وظایف مدیر تصفیه
۴۲۴	مبحث اول - در کلیات

مبحث دوم - در رفع توقیف و ترتیب صورت دارایی.....	۴۲۶
مبحث سوم - در فروش اموال و وصول مطالبات.....	۴۲۷
مبحث چهارم - در اقدامات تأمینیه.....	۴۲۹
مبحث پنجم - در تشخیص مطالبات طلبکارها.....	۴۲۹
فصل هفتم - در قرارداد ارفاقی و تصفیه حساب تاجر ورشکسته.....	۴۳۴
مبحث اول - در دعوت طلبکارها و مجمع عمومی آنها.....	۴۳۵
مبحث دوم - در قرارداد ارفاقی.....	۴۳۶
مبحث سوم - در تفریغ حساب و ختم عمل ورشکستگی.....	۴۵۰
فصل هشتم - در اقسام مختلفه طلبکارها و حقوق هر یک از آنها.....	۴۵۶
مبحث اول - در طلبکارهایی که رهینه منقول دارند.....	۴۵۶
مبحث دوم - در طلبکارهایی که نسبت به اموال غیرمنقول حق تقدم دارند.....	۴۵۷
فصل نهم - در تقسیم بین طلبکارها و فروش اموال منقول.....	۴۵۹
فصل دهم - در دعوای استرداد.....	۴۶۰
فصل یازدهم - در طرق شکایت از احکام صادره راجع به ورشکستگی.....	۴۶۴
باب دوازدهم - در ورشکستگی به تقصیر و ورشکستگی به تقلب.....	۴۶۹
فصل اول - در ورشکستگی به تقصیر.....	۴۶۹
فصل دوم - در ورشکستگی به تقلب.....	۴۷۱
فصل سوم - در جنحه و جنایاتی که اشخاص غیر از تاجر ورشکسته در امر ورشکستگی مرتکب می‌شوند.....	۴۷۲
فصل چهارم - در اداره کردن اموال تاجر ورشکسته در صورت ورشکستگی به تقصیر یا به تقلب.....	۴۷۴
باب سیزدهم - در اعاده اعتبار.....	۴۷۴
باب چهاردهم - اسم تجارتنی.....	۴۷۸
باب پانزدهم - شخصیت حقوقی.....	۴۷۹
فصل اول - اشخاص حقوقی.....	۴۷۹
فصل دوم - حقوق و وظایف و اقامتگاه و تابعیت شخص حقوقی.....	۴۷۹
باب شانزدهم - مقررات نهایی.....	۴۸۳
قوانین خاص.....	۴۸۵
مواد مرتبط از قانون حمایت از مالکیت صنعتی مصوب ۱۴۰۳.....	۴۸۷
قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۱۷.....	۴۹۱

باب اول - مقررات عمومی	۴۹۱
قانون اجازه ثبت شعبه یا نمایندگی شرکت‌های خارجی مصوب ۱۳۷۶/۸/۲۱	۴۹۹
آیین‌نامه اجرایی قانون اجازه ثبت شعبه یا نمایندگی شرکت‌های خارجی مصوب ۱۳۷۸/۰۱/۱۱	۵۰۱
مواد مرتبط از قانون راجع به ثبت شرکت‌ها مصوب ۱۳۱۰/۳/۱۱ با اصلاحات بعدی	۵۰۳
نظام‌نامه راجع به مواد ۱۹۶ و ۱۹۷ و ۱۹۹ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱/۰۳/۱۵	۵۰۵
مواد مورد نیاز از دستورالعمل ثبت تبدیل شرکت‌های تجاری مصوب ۱۳۹۹/۱۰/۲۹ با اصلاحات و الحاقات بعدی	۵۰۷
مواد مورد نیاز از قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور مصوب ۱۳۹۵/۱۱/۱۰	۵۱۱
قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی	۵۱۵
قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی کشور و حمایت از کالای ایرانی مصوب ۱۳۹۸/۲/۱۵	۵۳۳
آیین‌نامه تشویق به مشارکت موضوع ماده (۱۵) قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی کشور و حمایت از کالای ایرانی	۵۳۹
قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۴/۹/۱	۵۴۳
آیین‌نامه اجرایی قانون نحوه انتشار اوراق مشارکت مصوب ۱۳۹۸/۱۰/۰۸	۵۵۳
شرکت تعاونی	۵۵۳
قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۰/۶/۱۳ با اصلاحات ۱۳۷۷/۷/۵	۵۵۷
فصل اول - اهداف و ضوابط کلی بخش تعاونی	۵۵۷
فصل دوم - عضو	۵۵۸
فصل سوم - سرمایه	۵۶۱
فصل چهارم - حساب سود و زیان و تقسیم سود و سایر مقررات مالی	۵۶۳
فصل پنجم - تعاونی‌های تولید و توزیع	۵۶۴
فصل ششم - ارکان تعاونی‌ها	۵۶۴
فصل هفتم - اتحادیه تعاونی	۵۷۵
فصل هشتم - تشکیل و ثبت تعاونی‌ها	۵۷۷
فصل نهم - ادغام، انحلال و تصفیه	۵۷۷

۵۷۸	فصل دهم - اتاق تعاون
۵۸۲	فصل یازدهم - وزارت تعاون
۵۸۵	فصل دوازدهم - سایر مقررات
۵۸۷	قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور مصوب ۱۳۹۴/۲/۱ با آخرین اصلاحات تا ۱۴۰۱
۵۸۹	آیین‌نامه خرید، نگهداری و عرضه سهام خزانه مصوب ۱۳۹۴/۴/۱۵ همراه با اصلاحات و الحاقات
۵۹۱	مواد مرتبط از قانون تأسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه‌گری مصوب ۱۳۵۰/۰۳/۳۰
۵۹۳	قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵/۴/۱۶ (با الحاقات و اصلاحات مصوب ۱۳۹۷/۸/۱۳ و ۱۴۰۰/۱/۲۹)
۶۴۷	قانون چک‌های تضمین‌شده مصوب ۱۳۳۷/۴/۲۲
۶۴۹	تصویب‌نامه قانونی مربوط به تأسیس انبارهای عمومی مصوب ۱۳۴۰/۰۶/۰۶
۶۵۳	قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی مصوب ۱۳۱۸/۴/۲۴
۶۵۳	مبحث اول - سازمان اداره تصفیه
۶۵۷	مبحث دوم - اقدامات تأمینی اداره تصفیه
۶۵۹	مبحث سوم - دعوت بستانکاران
۶۶۱	مبحث چهارم - اداره اموال
۶۶۲	مبحث پنجم - رسیدگی به مطالبات
۶۶۸	مبحث ششم - تصفیه
۶۷۲	مبحث هفتم - تقسیم وجوه حاصله از فروش
۶۷۳	مبحث هشتم - خاتمه ورشکستگی
۶۷۳	مبحث نهم - مقررات مالی
۶۷۴	مبحث دهم - مقررات مخصوص
۶۷۷	آیین‌نامه (نظامنامه) موادی از قانون تجارت در خصوص تصفیه امور ورشکستگان مصوب ۱۳۱۱/۳/۱۶ وزارت دادگستری
۶۷۹	منابع

قانون تجارت
مصوب ۱۳۱۱/۲/۱۳ (کمیسیون قوانین عدلیه)
با اصلاحات بعدی

باب اول - تجار و معاملات تجاری

ماده ۱ - تاجر کسی است که شغل معمولی خود را معاملات تجاری قرار بدهد.

تجار به دو دسته اشخاص حقیقی تاجر و اشخاص حقوقی تاجر تقسیم می‌شوند.

دسته اول تجار اشخاص حقیقی تاجر

۱. برای این که یک شخص حقیقی، تاجر به حساب آید لازم است اولاً شغل معمولی او از اعمال تجاری ذاتی باشد؛ ثانیاً آن شخص، اعمال تجاری ذاتی را به نام و به حساب خودش انجام دهد.

۲. اعمال تجاری ذاتی در ماده ۲ ق.ت. برشمرده شده‌اند.

۳. یک عمل زمانی شغل معمولی شخص است که به قصد امرار معاش و به شکل مکرر و مستمر انجام شود. زمانی یک عمل به قصد امرار معاش انجام می‌شود که یکی از روش‌های اصلی امرار معاش آن شخص به حساب آید؛ بنابراین لازم نیست عمل تجاری تنها شغل آن شخص باشد.

۴. در صورتی که کارمند دولت بعد از وقت اداری به شکل پاره وقت اشتغال به اعمال تجاری ذاتی داشته باشد تاجر محسوب می‌شود.

۵. شخص زمانی تاجر محسوب می‌شود که اعمال تجاری ذاتی را به نام و به حساب خود انجام دهد. بنابراین کارگر یک مغازه که اعمال تجاری را به نام و به حساب صاحب مغازه انجام می‌دهد تاجر به حساب نمی‌آید. به همین ترتیب، قیم، وکیل، قائم مقام تجاری، مدیران شرکت‌های تجاری در فرضی که برای مولی‌علیه، موکل، تجارتخانه و شرکت، اعمال تجاری ذاتی را انجام می‌دهند تاجر محسوب نمی‌شوند.

۶. لازم نیست اعمال تجاری با مباشرت خود شخص انجام شوند تا آن شخص تاجر به حساب آید. در واقع، ممکن است شخصی به عنوان آمر، تعدادی نیروی کار به خدمت گیرد تا آن‌ها به حساب آن شخص معاملات تجاری انجام دهند؛ در این حالت آمر تاجر به حساب می‌آید.

۷. شرکا یا مدیران یک شرکت تجاری به اعتبار این‌که شریک یا مدیر یک شرکت هستند تاجر محسوب نمی‌شوند؛ البته قاعده‌تاً اگر این اشخاص صرف‌نظر از سهامدار یا مدیر بودن در شرکت، اعمال تجاری ذاتی را شغل شخصی خود قرار داده باشند به آن اعتبار، تاجر محسوب می‌شوند.

۸. در عقود مضاربه، مشارکت و جعاله آن شخص که ابتکار عمل را در دست دارد و عمل تجاری را انجام می‌دهد تاجر است. بنابراین در این عقود، مضارب، شریک فعال و عامل تاجر هستند نه مالک، شریک غیرفعال و جاعل.

۹. اشخاص حقیقی تاجر به دو دسته تقسیم می‌شوند:

اول) کسبه جزء:

یعنی تجاری که گردش مالی بالایی ندارند. طبق آخرین نظامنامه مصوب ۱۴۰۰ کسبه جزء دو دسته‌اند:

الف) کسبه و پیشه‌وران و تولیدکنندگان که میزان فروش سالیانه آن‌ها از ۴۰۰ میلیون تومان بالاتر نرود.

ب) تجاری که کار آن‌ها ارائه خدمات است (ارائه‌کنندگان خدمات) و عایدی سالیانه آن‌ها از ۲۰۰ میلیون تومان بالاتر نرود.

انواع تاجر حقیقی	۱ - تجار عادی ← تمام تاجر به جز کسبه جزء ۲ - تجار کسبه جزء	کسبه، پیشه‌وران و تولیدکنندگان	میزان فروش سالیانه آن‌ها از ۴۰۰ میلیون تومان بالاتر نرود.
		تجاری که کار آن‌ها ارائه خدمات است	میزان عایدی سالیانه آن‌ها از ۲۰۰ میلیون تومان بالاتر نرود.

ویژگی‌های کسبه جزء:

- مکلف به نگهداری دفاتر تجاری نیستند. (ماده ۶ ق.ت)
- مکلف به ثبت نام در دفتر ثبت تجاری نیستند. (ماده ۱۶ ق.ت)
- مشمول مقررات ورشکستگی نیستند و می‌توانند دادخواست اعسار بدهند. (ماده ۵۱۲ ق.ا.د.م)

دوم) تجار عادی:

هر تاجری که کسبه جزء نباشد تاجر عادی به حساب می‌آید.

۱۰. محجورین غیر ممیز (صغیر غیر ممیز و مجنون) در هیچ حالتی نمی‌توانند اعمال تجاری انجام دهند و تاجر شناخته شوند. همچنین حتی اگر ولی یا قیم آنها در جهت حفظ مصلحت محجور و به حساب او به شکل مکرر، معاملات تجاری انجام دهند نه ولی یا قیم تاجر است نه شخص محجور؛ زیرا اولاً ولی یا قیم این اعمال را به حساب خودش انجام نمی‌دهد، ثانیاً خود محجور هم نقشی در این معاملات ندارد.

۱۱. در رابطه با محجورین ممیز (صغیر ممیز و سفیه) دو فرض قابل تصور است:

فرض اول) ولی یا قیم جهت حفظ مصلحت محجور و به حساب محجور اعمال تجاری ذاتی را به شکل مستمر انجام دهد: به همان دلیل که در خصوص محجورین غیر ممیز بیان شد نه محجور تاجر تلقی می‌شود نه ولی و قیم.

فرض دوم) حالتی که ولی یا قیم بر اساس ماده ۸۵ قانون امور حسبی به محجور ممیز اجازه اشتغال به تجارت داده باشد: در این خصوص برخی معتقدند اگر ولی یا قیم اجازه اشتغال به تجارت داده باشد محجور ممیز تاجر محسوب می‌شود. (ربیعا اسکینی، حقوق تجارت، جلد اول، ص ۳۶) اما برخی دیگر معتقدند حتی در این فرض نمی‌توان محجور ممیز را تاجر محسوب نمود. استدلال گروه اخیر این است که ولی یا قیم باید به شکل متعارف اجازه اشتغال محجورین را بدهند؛ حال آن‌که اشتغال محجورین به تجارت و تاجر محسوب شدن آنها باعث می‌شود تکالیف و مسئولیت‌های خاصی برای آنها ایجاد شود که از جهت مسئولیت اجتماعی، تحمیل آنها به محجورین صحیح نیست. نهایتاً در تفسیر ماده ۸۵ قانون امور حسبی بیان گردیده که ولی یا قیم صرفاً در حدی می‌تواند اجازه اشتغال محجور ممیز به تجارت را بدهد که آن شخص کسبه جزء محسوب شود تا تکالیف و مسئولیت‌های تاجر بر او بار نشود. (ابراهیم عبدی پورفرد، حقوق تجارت، جلد اول، ص ۱۶۱، محمدرضا پاسبان، حقوق تجارت، جلد اول، ص ۱۳۴) استدلال گروه دوم ارجح است.

۱۲. ممنوعیت‌های اشتغال به تجارت:

موارد ممنوعیت اشتغال به تجارت به دو دسته مطلق و نسبی تقسیم می‌شوند.

الف) ممنوعیت مطلق از اشتغال به تجارت

سه دسته از اشخاص به طور مطلق از اشتغال به تجارت ممنوع هستند:

۱) دفترداران اسناد رسمی «ماده ۱۵ قانون دفاتر اسناد رسمی»

۲) قضات «ماده ۱۷ قانون نظارت بر رفتار قضات»

۳) وکلا؛ برخی معتقدند اشتغال به تجارت از اعمال منافی وکالت است و به همین جهت حق اشتغال به تجارت را ندارند. (ریبعا اسکینی، همان منبع، ص ۱۷۹)

ب) ممنوعیت نسبی از اشتغال به تجارت

برخی اشخاص به طور مطلق و کلی از اشتغال به تجارت ممنوع نیستند، بلکه نسبت به اشتغال به برخی اعمال تجاری با ممنوعیت مواجه هستند. برخی از این ممنوعیت‌ها هم برای اشخاص ایرانی و هم برای اشخاص خارجی وجود دارد، اما برخی از این محدودیت‌ها صرفاً مخصوص اتباع خارجی است:

۱) ممنوعیت نسبی اتباع ایرانی از اشتغال به تجارت

کارمندان دولت از حق‌العمل‌کاری در گمرک ممنوع هستند. (بند ۵ ماده ۳۷۷ آیین‌نامه امور گمرکی)

۲) ممنوعیت نسبی اتباع خارجی از اشتغال به تجارت در ایران

به طور کلی، طبق ماده ۱۲۰ قانون کار بیگانگان برای اشتغال در ایران باید پروانه کار داشته باشند. بیگانگان و اتباع خارجی ممنوعیت کلی برای اشتغال به تجارت در ایران ندارند، اما از اشتغال به برخی فعالیت‌ها و اعمال تجاری ممنوع هستند و همچنین برای انجام برخی فعالیت‌ها باید مجوز مخصوصی اخذ کنند.

✓ اشتغال به دلالتی: طبق ماده ۲ قانون راجع به دلالتی اعطای پروانه دلالتی به اتباع خارجی ممنوع است.

✓ اشتغال به تسهیل معاملات بورسی «کارگزاران بورس»

✓ تأسیس موسسات حمل و نقل زمینی برای داخل کشور و تأسیس کارخانه تعمیر و گاراژ عمومی منوط به داشتن تابعیت ایرانی می‌باشد و با سرمایه داخلی ممکن است.

✓ حمل و نقل بازرگانی هوایی مسافر و بار در داخل ایران تنها توسط هواپیمای ایرانی ممکن است. (ماده ۹ قانون هواپیمایی کشوری)

✓ بیگانگان از حق‌العمل‌کاری در گمرک ممنوع هستند. (ماده ۳۷۷ آیین‌نامه اجرایی قانون امور گمرکی)

✓ بیگانگان از تأسیس شرکت بیمه ممنوع هستند. (ماده ۵ آیین‌نامه تنظیم امور نمایندگی بیمه)

✓ بیگانگان از تأسیس بانک در ایران ممنوع هستند مگر با اخذ مجوز از مجلس

۱۳. حتی اگر اشخاص ممنوع از تجارت (مثل قضات) اعمال تجاری ذاتی را شغل معمولی

خود قرار داده باشند تاجر محسوب می‌شوند. همچنین در مواقعی که اشتغال به یک عمل تجاری

منوط به اخذ مجوز از مرجع خاصی باشد، اما شخصی آن عمل را بدون اخذ مجوز انجام دهد تاجر به حساب می‌آید.

(۱) تاجر شخصی است که شغل معمولی او + (به قصد امرار معاش به شکل مستمر و مکرر ممنوعیت از اشتغال به تجارت مانع از تاجر تلقی شدن شخصی که شغل او عمل تجاری است نمی‌شود. اگر اشتغال به یک عمل تجاری نیازمند پروانه باشد اما شخصی بدون اخذ پروانه به آن عمل اشتغال پیدا کند تاجر است. (۲) تاجر شخصی است که اعمال تجاری ذاتی را به نام و به حساب خود انجام می‌دهد.	شخص حقیقی تاجر
در خصوص دلالتی، حق‌العمل‌کاری و عاملیت، شخص دلال، حق‌العمل‌کار و عامل صرفاً به اعتبار انجام این نوع نمایندگی‌ها تاجر است. شریک یک شرکت یا مدیر آن از جهت این سمت‌ها تاجر نیست بلکه ممکن است به دلیل اشتغال به شغلی دیگر که از اعمال تجاری ذاتی است تاجر تلقی شود. در جعاله، مضاربه و مشارکت مدنی آن شخص که ابتکار عمل را در دست دارد و عمل تجاری ذاتی را انجام می‌دهد تاجر است؛ بنابراین عامل در جعاله، مضارب در مضاربه و شریک فعال در شرکت، تاجر محسوب می‌شود.	

دسته دوم تاجر) اشخاص حقوقی تاجر

۱۴. شرکت‌های تجاری به دو دسته موضوعاً تجاری و شکلاً تجاری تقسیم می‌شوند. شرکت‌های موضوعاً تجاری شرکت‌هایی هستند که ضرورت دارد موضوع فعالیت آن‌ها از اعمال تجاری ذاتی باشد؛ اما شرکت‌های شکلاً تجاری شرکت‌هایی هستند که ممکن است موضوع فعالیت آن‌ها از اعمال تجاری ذاتی نباشد. شرکت‌های سهامی و تعاونی شکلاً تجاری محسوب می‌شوند. هر دو دسته این شرکت‌ها تاجر محسوب می‌شوند.

۱۵. موسسات غیرتجاری دسته‌ای از اشخاص حقوقی هستند که اولاً موضوع فعالیت آن‌ها عمل تجاری ذاتی نیست، ثانیاً به صورت شرکت‌های شکلاً تجاری، یعنی سهامی و تعاونی تشکیل

نشده‌اند. موسسات غیرتجاری به دو دسته انتفاعی و غیرانتفاعی تقسیم می‌شوند. اگر هدف موسسه کسب سود باشد موسسه غیرتجاری انتفاعی است و اگر هدف موسسه کسب سود نباشد موسسه غیرتجاری غیرانتفاعی می‌باشد. موسسات غیرتجاری، چه انتفاعی و چه غیرانتفاعی، اصولاً تاجر محسوب نمی‌شوند؛ با این حال، اگر یک موسسه غیرتجاری عملاً و برخلاف موضوع مندرج در اساسنامه خود به اعمال تجاری ذاتی اشتغال داشته باشد مشمول ماده ۲۲۰ ق.ت بوده و در حکم شرکت تضامنی خواهد بود.

۱۶. دولت و تشکیلات دولتی در هیچ حالت تاجر محسوب نمی‌شوند؛ زیرا اعمال حاکمیتی انجام می‌دهند. اما شرکت‌های دولتی که مسئول انجام اعمال تصدی‌گری دولت هستند تاجر به حساب می‌آیند.



ماده ۲ - معاملات تجاری از قرار ذیل است:

ماده ۲ اعمال تجاری ذاتی را احصاء کرده است؛ این اعمال آن دسته از اعمالی هستند که قانون‌گذار به جهت طبیعتشان و صرف‌نظر از این که چه کسی آن‌ها را انجام می‌دهد ذاتاً تجاری دانسته است.

اعمال تجاری ذاتی به دو دسته معاملات تجاری و فعالیت‌های تجاری تقسیم می‌شوند:

✓ معاملات تجاری ← معاملات تجاری جنبه اتفاقی دارند و حتی اگر یک بار انجام شوند هم تجاری ذاتی به حساب می‌آیند.

✓ فعالیت‌های تجاری ← فعالیت‌های تجاری جنبه مستمر دارند و باید در قالب یک بنگاه اقتصادی انجام شوند؛ بدین ترتیب که لازم است ابتدا مقدماتی مثل محل کار، نیروی انسانی، ماشین‌آلات و تجهیزات فراهم شود و این‌گونه یک بنگاه ایجاد شود و سپس در قالب آن بنگاه، فعالیت انجام شود.

(۱) خرید یا تحصیل هر نوع مال منقول به قصد فروش یا اجاره اعم از این که تصرفاتی در آن شده یا نشده باشد.

۱. عمل موضوع بند ۱ ماده ۲ یک معامله تجاری ذاتی است؛ زیرا تجاری محسوب شدن آن نیازمند تصدی و استمرار نیست. در نتیجه، حتی اگر یک شخص یک بار مال منقول را به قصد فروش یا اجاره تحصیل کند عمل تجاری ذاتی انجام داده است.

۲. واژه تحصیل در بند ۱ ماده ۲ یک مفهوم عام است؛ بنابراین مال منقول به هر روشی اعم از عقد و ایقاع به دست آمده باشد در صورت وجود سایر شرایط می‌تواند مصداق این بند باشد. در نتیجه، تمام عقود مثل معاوضه و صلح که اثر آن‌ها انتقال مالکیت یک مال به شخص است و همچنین، حیازت مباحات می‌تواند مصداق تحصیل مال باشد.

۳. از میان قراردادهای صرفاً قراردادهای معاوض می‌توانند مصداق تحصیل مال باشند و عمل تجاری ذاتی به حساب آیند. بنابراین اگر شخص «الف» اتومبیل خود را به شخص «ب» هبه کند و شخص «ب» به قصد فروش یا اجاره هبه را قبول کند عمل تجاری ذاتی محسوب نمی‌شود، مگر آن‌که هبه معاوض (با شرط عوض) باشد.

۴. با توجه به ظاهر بند ۱ ماده ۲ صرفاً خرید یا تحصیل مال عمل تجاری ذاتی است نه فروش یا اجاره؛ البته فروش یا اجاره تحت شرایطی خاصی که در ماده ۳ بیان گردیده می‌تواند عمل تجاری تبعی باشد. ضمناً طبق بند ۱۰ ماده ۲ استثنائاً کلیه معاملات راجع به کشتی از جمله فروش یا اجاره تجاری ذاتی محسوب می‌شوند.

۵. تحصیل مال لزوماً از طریق انتقال مالکیت عین آن مال نیست؛ یعنی ضرورت ندارد که تحصیل کننده در نتیجه تحصیل، مالک آن مال شود، بلکه ممکن است مالک منافع آن مال بشود. بنابراین ممکن است شخصی مالی را به قصد اجاره اجاره نماید. مثلاً شخص «الف» یک اتومبیل لامبورگینی را اجاره نموده تا آن را برای مراسم عروسی به اشخاص اجاره دهد.

۶. خرید یا تحصیل مال در صورتی معامله تجاری ذاتی است که دقیقاً در زمان خرید یا تحصیل، قصد فروش یا اجاره آن مال وجود داشته باشد. بنابراین اگر شخصی مالی را به قصد استفاده شخصی و یا مصرف در امور خیریه بخرد اما بعداً قصد فروش آن را کند، عمل خرید آن مال عمل تجاری محسوب نمی‌شود.

۷. لازم به ذکر است حتی اگر بعد از خرید یا تحصیل، قصد فروش یا اجاره از بین برود عمل خرید یا تحصیل همچنان عمل تجاری محسوب می‌شود و صرف‌نظر نمودن از فروش مانع تجاری دانستن عمل خرید یا تحصیل نمی‌شود.

۸. ممکن است خرید یا تحصیل مال بعد از فروش آن انجام شده باشد؛ به طور مثال، تصور کنید یک ماهی گیر ۱۰۰ کیلو ماهی را به صورت کلی فی‌الذمه فروخته و بعداً این ماهی‌ها را صید می‌کند و به خریدار تسلیم می‌کند. در این حالت نیز عمل صید ماهی تجاری ذاتی است.

۹. طبق ظاهر ماده خرید یا تحصیل صرفاً در صورتی که به قصد فروش یا اجاره باشد عمل تجاری ذاتی است؛ اما از جهت مبنایی، خرید یا تحصیل به قصد معاوضه هم عمل تجاری ذاتی است. (محمد رضا پاسبان، همان، ص ۱۷۲)

۱۰. اگر شخصی مال منقولی را بخرد یا تحصیل کند و در آن دخل و تصرفاتی انجام دهد که ماهیت آن را عوض نکند عمل خرید یا تحصیل عمل تجاری ذاتی است؛ مثل این‌که شخصی اتومبیلی را به قصد فروش بخرد اما قبل از فروش، موتور آن را تقویت نماید. اما اگر حدود دخل و تصرف به قدری باشد که ماهیت آن مال را به طور کلی تغییر دهد، دیگر عمل خرید یا تحصیل، عمل تجاری محسوب نمی‌شود. به طور مثال، اگر یک خیاط مقداری پارچه بخرد تا آن را تبدیل به لباس کند و به فروش برساند عمل خرید پارچه عمل تجاری ذاتی نیست. به اشخاصی که اموالی را می‌خرند و با تغییرات اساسی می‌فروشند «پیشه‌ور» گفته می‌شود. (ربیعاً/اسکینی، همان، ص ۱۰)

۱۱. اموال منقول اعم اموال مادی و غیرمادی است. بنابراین خرید اموال ناملموس مثل اموال فکری، سهم‌الشرکه شرکت، سهام، اوراق قرضه، اوراق بهادار با جمع سایر شرایط می‌تواند مشمول بند ۱ ماده ۲ باشد. (حسن ستوده، حقوق تجارت، جلد اول، ص ۴۵)^۱

۱. البته در این رابطه برخی از جمله آقای دکتر اسکینی نظر مخالف دارند؛ اما آنچه در متن بیان شده ارجح است.